

الماس خون آلود

منابع طبیعی افغانستان و تجاری که از کشور زیمبابوی باید آموخت

عبدالجلیل بینش
جوزا ۱۳۹۲



الماس خون آلود

منابع طبیعی افغانستان و تجاری که از کشور زیمبابوی باید آموخت

عبدالجلیل بینش

جوزا ۱۳۹۲

مشخصات کتاب

نام کتاب: الماس خون آلود

نویسنده: عبدالجلیل بینش

ویراستار: داکتر قاسم وفايي زاده

مترجم پشتو: حبيب وقار

حروف چینی و صفحه آرایی: دیده بان افغانستان

تاریخ نشر: جوزا ۱۳۹۲

نوبت چاپ: اول

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

صاحب امتیاز: دیده بان افغانستان

درباره‌ی دیده‌بان افغانستان

دیده‌بان افغانستان یک نهاد مستقل غیرحکومتی و غیرانتفاعی می‌باشد. دورنمای این نهاد را رسیدن به یک جامعه دموکراتیک، امن، بردبار و برخوردار از عدالت که تمامی شهروندان بتوانند از فرصت‌های مساویانه بهره‌مند شوند، تشکیل می‌دهد.

رسالت این نهاد، انجام فعالیت‌هایی می‌باشد که باعث تحکیم صلح و توسعه عدالت و فرهنگ همدیگرپذیری و احترام به حقوق بشری در افغانستان می‌شود. تعهد قوی به دموکراسی، عدالت، حقوق بشر، انکشاف متوازن اجتماعی و اقتصادی کشور، بی‌طرفی، استقلال و تخصص، رهنمود فعالیت‌ها و ارزش‌های محوری سازمان می‌باشند.

برای معلومات بیشتر در مورد دیده‌بان افغانستان و یا بدست آوردن نشریات آن، با آدرس ذیل در تماس شوید:
سرک ۱۰، کارته سه، ناحیه ۶، کابل، افغانستان.

پست بکس: کابل، پسته خانه دهبوری، نمبر پست بکس: ۱۰۰۸۳
تلیفون:

+۹۳ (۰)۷۹۹ ۲۱ ۵۵ ۷۷، ۷۷۸ ۸۹ ۳۸ ۳۳

publication@watchafghanistan.org

www.watchafghanistan.org

ایمیل:

وبسایت:

© تمام حقوق این نشریه برای «دیده‌بان افغانستان» و «بنیاد هایتریش بل» محفوظ است. هیچ قسمتی از این نشریه، بدون اجازه‌نامه کتبی ناشر «دیده‌بان افغانستان» نباید به صورت الکترونیکی یا چاپ دوباره، ذخیره، ثبت یا توزیع گردد. برای به دست آوردن اجازه‌نامه می‌توانید با این آدرس در تماس شوید:

publication@watchafghanistan.org

فهرست

۷	درباره این رساله.....
۹	بخش یک: منابع طبیعی و مسایل پیرامونی آن.....
۹	۱. منابع طبیعی چیست؟.....
۱۱	۲. سیاست‌گذاری‌ها.....
۱۲	۳. اداره منابع و قدرت.....
۱۲	۴. پیامدهای رونق منابع.....
۱۴	۵. سیاست منابع و تغییر شکل اکولوژیکی.....
۱۵	۶. فقدان انسجام استراتژیک جامعه مدنی.....
۱۷	بخش دو: کشور زیمبابوی.....
۱۷	۱. الماس خون‌آلود.....
۱۸	۲. مالکیت.....
۱۹	۳. اداره و مدیریت.....
۱۹	۴. دخالت مقامات دولتی زیمبابوی.....
۱۹	۵. سخت‌گیری‌های دولت.....
۲۰	۶. فروش الماس‌های مارانگه.....
۲۰	۷. بحران.....
۲۰	۸. فساد در مارانگه.....
۲۱	۹. سمی نمودن آب و آلودگی محیط زیست.....
۲۱	۱۰. الماس و حقوق بشر.....
۲۴	۱۱. بازدید جامعه مدنی از میدان‌های الماس مارانگه.....
۲۷	بخش سه: منابع طبیعی در افغانستان.....
۳۱	ضمیمه‌ها.....
۳۱	ضمیمه ۱: نشرات دیده‌بان افغانستان.....

سپاسگزاری

هزینه مالی این رساله توسط بنیاد هاینریش بُل پرداخت شده است. از این طریق از همکاری این بنیاد تشکر می‌کنم. و نیز از دوست خویم داکتر حسن مالستانی که در ترجمه و داکتر محمد قاسم وفایی‌زاده (مدیر برنامه‌های گذار سیاسی دیده‌بان افغانستان) که در ویرایش این رساله همکاری کرده‌اند، صمیمانه سپاسگزارم. احمدضیا محمدی (مدیر بخش ارتباطات دیده‌بان افغانستان) مسوولیت طرح و دیزاین این رساله را به عهده داشت، سهم وی نیز قابل ستایش است.

درباره این رساله

در این رساله تلاش شده است تا یک نگاه اجمالی از منابع طبیعی و مسایل پیرامون آن ارائه گردد. بخش اول به تعریف مفاهیم و توضیح چارچوب‌های نظری و تشریح چالش‌ها و مشکلات فرایند بهره‌برداری از منابع طبیعی اختصاص یافته است. منابع طبیعی چیست؟ چه فرصت‌ها و مشکلات ناشی از منابع طبیعی در سیاست‌گذاری‌های کلان مهم‌اند و باید لحاظ شوند، مباحث محوری این بخش را تشکیل می‌دهند. در بخش دوم، معدن الماس «مارانگه» کشور زیمبابوی معرفی گردیده است. زیمبابوی کشوری است که سال‌ها درگیر مشکلات ناشی از بهره‌برداری ناسالم منابع طبیعی بوده و به‌طور خاص سردچار آسیب‌های جدی است که در اثر استخراج معادن به‌وجود آمده است. در بخش سوم، بررسی گذرایی داریم به منابع طبیعی در افغانستان. چه زمینه‌ها و چالش‌هایی در رویارویی با موضوع استفاده از منابع طبیعی افغانستان وجود دارد؟ اهمیت و ارزش منابع طبیعی این کشور در چه حد است؟

تبیین و فهم تجربه بهره‌برداری از منابع طبیعی در زیمبابوی و نوع مواجهه با مشکلات و چالش‌های فزاینده اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متأثر از آن، ما را کمک خواهد کرد تا مسایل مرتبط با بهره‌برداری از منابع طبیعی را در کل و معادن را به‌طور خاص بیشتر بشناسیم و با مسوولیت‌ها و پیامدهای آن آگاهی بیشتر پیدا نماییم. افغان‌ها نباید به منابع طبیعی‌شان تنها به‌عنوان یک سرمایه و فرصت اقتصادی فکر کنند، بلکه متوجه این نکته نیز باشند که در صورت بی‌دقتی و مدیریت ناسالم این منابع، می‌تواند اثرات بس منفی و زیانباری را در پی داشته باشد. دیده‌بان افغانستان امیدوار است بتواند در فرصت‌های بعدی تجارب بقیه کشورهایی را که شرایط نزدیک با افغانستان را دارند نیز در اختیار مردم افغانستان قرار دهد. مدیریت و استفاده درست از منابع طبیعی افغانستان نیاز به درک و شناخت بهتر از تجارب دیگر کشورها دارد.

این رساله مخاطب خاصی ندارد. همه کسانی که در مسایل منابع طبیعی دخیل و یا علاقمندند می‌توانند از معلومات این رساله سود ببرند. مطالعه این رساله برای افزایش آگاهی اساتید و دانشجویان مراکز علمی-آموزشی، فعالین نهادهای مدنی، مقامات دولتی، رسانه‌ها و... کمک خواهد کرد.

منابع طبیعی و مسایل پیرامون آن

۱ منابع طبیعی چیست؟

منابع طبیعی مواد و مرکباتی است که در داخل محیط (زمین) به شکل طبیعی وجود دارد که انسان در ساخت آن دخیل نمی‌باشد و قابل دستیابی است. هر تولید دست انسان، در وضعیت اولیه خود ترکیبی از منابع طبیعی است. منابع طبیعی شاید به صورت مستقل وجود داشته باشند، مثل آب تازه و هوا یا اینکه بخشی از موجودات زنده باشند، مثل ماهی و یا در قالب دیگری وجود داشته باشد و برای به دست آوردن آن باید پروسه‌هایی را تکمیل کنیم، مثل آهن، نفت و بسیاری از منابع انرژی. گفتگوهای زیادی در سطح جهانی برای تقسیم و اختصاصی کردن منابع طبیعی وجود دارد؛ این مساله بیشتر به دلیل کمیاب بودن منابع طبیعی و نیز به خاطر صادرات منابع طبیعی است که پایه‌ای برای اقتصاد کشورهای توسعه یافته مانند استرالیا به حساب می‌آید.

الف. طبقه‌بندی منابع:

روش‌هایی زیادی برای طبقه‌بندی و رده‌بندی منابع طبیعی وجود دارد که در برگیرنده مبدا منابع، سطح گسترش و توسعه، و قابلیت تجدید و بازیافت آنها می‌باشد. منابع بر اساس مبدا و خاستگاه چنین تقسیم شده‌اند:

منابع زیستی: منابع زیستی از موجودات و مواد زنده و ارگانیک به دست می‌آید؛ مانند جنگلات و حیوانات و موادی که از آنها حاصل می‌شود. سوخت‌های فسیلی مانند نفت، ذغال و پترول، همچنان در این رده‌بندی قرار می‌گیرند.

منابع آبیوتیک (نازیو): عبارت است از منابعی که از مواد غیرجاندار و غیرزنده به وجود می‌آیند مثل زمین، آب تازه، هوا و فلزات سنگین مثل طلا، آهن، مس، نقره و غیره.

با در نظر داشت سطح توسعه، منابع طبیعی چنین رده‌بندی می‌شوند:

منابع بالقوه: منابع بالقوه منابعی‌اند که به صورت بالقوه در مناطقی وجود دارند و می‌توان در آینده از آن



©Stapanov Alexander

استفاده نمود. مثلاً در بسیاری از مناطق هند در لایه‌های سنگ‌های رسوبی نفت وجود داشته باشد، تا زمانی که این سنگ‌ها برطرف و نفت استخراج شود؛ نفتی که در این بخش‌ها وجود دارد منابع بالقوه به‌شمار می‌رود. منابع مشخص: منابعی است که مقدار آن مشخص است و به‌گونه دقیق مورد بررسی قرار گرفته است و در حال حاضر مورد بهره‌برداری است. توسعه منابع مشخص مثل تولید چوب به سطح تکنالوجی و توانایی اقتصادی بستگی دارد. منابع ذخیره شده: بخشی از منابع مشخص به‌شمار می‌رود، که در صورت ضرورت در آینده مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد.

منابع انبار شده: عبارت از منابعی است که بررسی و برآورد شده‌اند ولی به دلیل نبود تکنالوجی و فناوری مورد نیاز، غیرقابل استفاده باقی مانده است، مانند هایدروجن.

قابلیت تجدید و بازیافت، بحث بسیار عمومی است و بسیاری از منابع می‌توانند براساس قابلیت بازیافت رده‌بندی شوند.

منابع قابل بازیافت: منابعی‌اند که می‌توان به صورت طبیعی دوباره تهیه کرد. تعدادی از منابع مثل نور خورشید، هوا، باد و غیره به صورت دوامدار وجود دارند و مصرف انسانها تاثیر چشمگیری بر مقدارشان ندارد. در حالی که بسیاری از منابع دیگر قابلیت بازیافت خیلی زود را ندارند و در معرض کاهش و تقلیل قرار دارند. منابع تا زمانی قابل بازیافت به حساب می‌آیند که مقدار و میزان بازیافت شده بیشتر از میزان مصرف آنها باشد. منابع غیر قابل بازیافت: منابع غیر قابل بازیافت عبارت از منابعی است که بسیار آهسته شکل می‌گیرند و یا اصلاً به صورت طبیعی به وجود نمی‌آیند. مینرال‌ها منابعی‌اند که در این رده‌بندی قرار می‌گیرند. از دید بهره‌وری

انسان‌ها، منابعی غیر قابل بازیافت‌اند که میزان بازیافت شده کمتر از میزان مصرف باشد. مثال خوب این منابع عبارت است از سوخت فسیلی که مدت شکل‌گیری و به‌وجود آمدن آن بسیار طولانی است و میلیون‌ها سال را در بر می‌گیرد. بعضی از منابع بدون دخالت انسان به صورت طبیعی فناپذیر و پایان‌یافتنی است، مثل یورانیوم که بعد از مدتی به آهن سنگین تبدیل می‌شود. می‌توان از منرال‌های فلزی دوباره استفاده نمود در صورتی که دوباره به چرخش در آورده شود و از این طریق بازیابی شود. ولی ذغال و نفت قابل بازیافت نیست.^۱

۲. سیاست‌گذاری‌ها

منابع طبیعی اساس فعالیت‌های اقتصادی و زندگی روزمره می‌باشد. در کنار مقابله با تغییرات آب و هوایی و فقر جهانی، استفاده دوامدار از منابع و توزیع عادلانه آنها در سراسر جهان، یکی از بزرگترین چالش‌های قرن بیست و یکم به حساب می‌آید.^۲ بسیاری از منابع محدوداند. این امر مخصوصاً در مورد سوخت‌های فسیلی صدق می‌کند که ادامه احتراق آنها در مقیاس بزرگ تسریع‌کننده تغییرات آب و هوایی است. بیشتر منابع طبیعی در اقتصادهای نوظهور و کشورهای در حال توسعه واقع شده است که نه تنها از فقر، بلکه از سیستم ضعیف سیاسی نیز رنج می‌برند. برای بسیاری از مردم این کشورها، ثروت منابع به جای برکت و رحمت به لعنت تبدیل شده است.^۳

حاکمیت منابع، دیگر یک مساله حاشیه‌ای نیست. این موضوع در راس دستور کار سیاست‌های ملی و بین‌المللی کشورهای صنعتی و کشورهای در حال رشد قرار دارد. تامین امنیت عرضه مواد اولیه برای تولید صنعتی یک اولویت درجه یک می‌باشد. در این ارتباط، در حال حاضر، مانند گذشته سوخت‌های فسیلی مانند نفت، گاز و زغال سنگ و منابع سنتی کلیدی مانند چوب، طلا، مس، سنگ آهن و بوکسیت قرار دارند. توجه سیاسی نیز به وضوح به طور فزاینده‌ای به منابع جدید و حساس مانند لیتیوم، عناصر خاکی نادر و کولتان (شامل چند عنصر کمیاب مثل نیوبیوم و تانتالیم)، که به‌طور خاص برای بسیاری از فن‌آوری‌های مدرن در بخش ارتباطات، انرژی، حمل و نقل و امور نظامی مهم است، در حال تغییر می‌باشد.^۴

رونق منابع جدید به‌طور متفاوتی اقتصادهای در حال ظهور و کشورهای در حال توسعه را متأثر ساخته است. اقتصادهای نوظهور و کشورهای صنعتی بعضاً برای طیف گسترده‌ای از منابع در حال رقابت‌اند. برخی از اقتصادهای نوظهور دارای ذخایر مهم و استراتژیک از برخی منابع‌اند - مانند چین با عناصر خاکی کمیاب - اما در عین حال این کشورها نیاز به واردات منابع دیگر (مثل نفت) دارند. سرمایه منابع طبیعی ممکن است باعث فرصت‌هایی برای توسعه انسانی باشد، یا اینکه ممکن است باعث تشدید استثمار، فساد، شکست دولت، تخریب محیط زیست و نقض حقوق بشر گردد. کشورهای فاقد منابع در مواجهه با قیمت‌های بالای منابع دچار مشکل شده^۵ (به‌طور خاص در بخش انرژی و زراعت‌شان) و بیشتر به حاشیه رانده می‌شوند.

۱ ویکیپدیا

http://en.wikipedia.org/wiki/Marange_diamond_fields

۲ فریدم هاوس، نوامبر ۲۰۱۲

<http://www.freedomhouse.org/blog/zimbabwe%E2%80%99s-diamond-wealth-interview-farai-maguwu>

۳ بنیاد هاینریش بل، آوریل ۲۰۱۱

<http://www.boell.de/ecology/resources/resource-governance-ecology-682.html>

۴ ویکیپدیا

http://en.wikipedia.org/wiki/Marange_diamond_fields

۵ بنیاد هاینریش بل، آوریل ۲۰۱۱

<http://www.boell.de/ecology/resources/resource-governance-ecology-682.html>

۳. اداره منابع و قدرت

تا چند سال پیش، کنترل منابع صرفاً یک موضوع برای کارشناسان در نظر گرفته می‌شد و به ندرت راه خود را در برنامه‌های سیاسی باز می‌کرد و یا باعث جلب توجه بین‌المللی می‌شد (مثلاً طوری که در دوران ریاست آلمان بر G8 در سال ۲۰۰۷ اتفاق افتاد). با این حال در چند سال گذشته به روشنی حالت عکس این روند دیده شده است.^۶

قدرت سیاسی نقش عمده‌ای در شکل‌گیری سیاست منابع و اولویت‌دهی به جنبه‌های توزیعی آن دارد. دعوا بر سر دسترسی یا در اختیار داشتن و کنترل منابع از عوامل تسریع‌کننده و یا حتی عامل نزاع در قدرت سیاسی و تحولات اجتماعی در بسیاری از کشورها و مناطق به‌حساب می‌آید. در شرایطی که با فشار رو به رشد اجتماعی به‌وجود آمده توسط رقابت بر سر منابع روبرو هستیم، یافتن پاسخ برای سوال استفاده هرچه منصفانه‌تر و دوامدارتر و توزیع عادلانه این نعمات خدادادی، موضوعی است با فوریت حیاتی و فزاینده.^۷

الف. چرا کنترل منابع فعلاً در دستور کار سیاسی است؟

تقاضا برای منابع فسیلی و معدنی در سراسر جهان به شدت در حال افزایش است، اولاً به این دلیل که اقتصادهای در حال ظهور، گرسنه منابع هستند و ثانیاً به این دلیل که در کشورهای صنعتی رکود واقعی تقاضا وجود ندارد. افزایش عظیم در تقاضا برای منابع استراتژیک در فن‌آوری‌های مدرن - در زمینه‌های ارتباطات، انرژی‌های تجدیدپذیر و حمل و نقل - یک عامل کلیدی به حساب می‌آید. رشد اقتصادهای کلان و در حال ظهور - که همچنین بخش قابل توجهی از بسیاری از منابع ضروری را در خود جای داده - تقسیم کار بین‌المللی موجود و غلبه ملت‌های صنعتی قدیمی را به چالش می‌کشد.^۸

در عین زمان از همیشه روشن‌تر است که دوران نفت ارزان به پایان رسیده است. از این جهت و به‌خاطر سوخت‌های فسیلی و منابع انرژی (زغال سنگ، اورانیوم) تقاضا یا در حال حاضر بیش از عرضه است و یا در آینده نزدیک چنان خواهد شد. تقاضای جهانی برای انرژی و دیگر منابع باعث افزایش زیاد قیمت گردیده است. این امر باعث می‌شود سرمایه‌گذاری همیشه با خطر همراه باشد، گرانی و تقاضای بیشتر برای استخراج از لحاظ اقتصادی سودآور است. پیامدهای رونق منابع و افزایش تقاضا برای منابع خاص هم‌زمان با تحولات کنونی جهان، عظیم و متنوع می‌باشد.

۴. پیامدهای رونق منابع

الف. بعضی از اثرات منفی:

از نظر جغرافیایی، ثروت منابع به‌طور بسیار نامساویانه‌ای تقسیم شده است. رقابت برای منابع در سطح جهانی، منطقه‌ای و محلی در حال افزایش است. کنترل بر دسترسی، معدنکاری و تجارت آن، قدرت و ارزش پولی به همراه دارد. حال فرقی نمی‌کند منابع ذخایر نفت در خلیج گینه، ذخایر فلزات

۶ - شبکه جهانی بی‌بی‌سی

<http://www.bbc.co.uk/news/world-africa-14377215>

۷ - چاتم هاوس، ۶ نوامبر ۲۰۱۱

<http://www.chathamhouse.org/sites/default/files/public/Research/Africa/061112summary.pdf>

۸ - شبکه جهانی بی‌بی‌سی

<http://www.bbc.co.uk/news/world-africa-14377215>

کولتان در کنگو، عناصر خاکی نادر در چین و یا ذخایر بکر در قطب شمال باشد. هرچه ذخایر نایاب تر و متقاضی بیشتر باشد، رقابت هم برای آنها شدیدتر و فشار بر ساختارهای ضعیف حکومت‌های محلی نیز بیشتر است. این چرخش در مورد اهمیت استراتژیک منابع در این واقعیت نیز آشکار شده است که در گفتمان سیاست‌های امنیتی امروزی حمایت از استفاده نیروی نظامی برای تامین امنیت و رسیدن منابع به صنعت، قابل قبول می‌باشد.

منافع اقتصادی (سیاست نو استعماری امروزه هم در کشورهای صنعتی و هم در اقتصادهای نوظهور دنبال می‌گردد) با استفاده از سیاست‌های تجارت آزاد تهاجمی (مثلا در قالب موافقت‌نامه‌های تجاری دوجانبه)، سیاست‌های سرمایه‌گذاری مانع توسعه، و قراردادهای ناعادلانه محافظت می‌گردد.^۹ تشدید عواقب منفی استفاده از منابع در اثر افزایش فساد اداری، حاکمیت ضعیف و درگیری‌های خشونت‌آمیز پیامد دیگر رونق منابع است. اگر چه از نظر تجارت و درآمد در سطح ملی در بسیاری از کشورها بهبود حاصل شده اما اغلباً درگیری‌ها در توزیع آنها در داخل کشور افزایش یافته و هرگونه تلاش برای رقابت‌های مسالمت‌آمیز در حاکمیت، سرکوب شده است.^{۱۰}

انحصار بازیگران تجارت جهانی، موقعیت حکومت‌های کشورهای میزبان و کشورهای مبداء را با توجه به سیاست‌های نظارتی، تضعیف می‌کند.

اکوسیستم‌ها توسط معدنکاری (آلودگی خاک، آب و هوا) آلوده می‌گردند - این امر مخصوصاً باز هم در مورد استفاده از منابع فسیلی به صورت غیرمتعارف و با خطر بالای منابع (مانند شن و جغل قیری) آشکار می‌گردد؛ از دست رفتن تنوع زیستی افزایش می‌یابد (به عنوان مثال از طریق نابودی جنگلات)؛ مناطق دست‌نخورده قبلی در مکان‌های دوردست مانند آلاسکا، رشته کوه‌های آند و حوزه کنگو گشوده شده و در معرض استخراج بی‌رویه قرار گرفته است.^{۱۱}

در مناطق معدنی اثرات مستقیم بر مردم - از خطرات صحتی تا نقض حقوق بشر و اخراج اجباری مردم - تشدید شده است.^{۱۲}

تحول جهانی زیست محیطی که به فوریت مورد نیاز است باید این خطرات جدی را از طریق سیاست‌گذاری و کنترل مورد توجه قرار بدهند: بدون حاکمیت منابع پایدار در شمال و جنوب، بیشتر اکوسیستم‌ها نابود خواهند شد، تلاش‌ها برای مقابله با تغییرات آب و هوایی ممکن است به نتیجه نرسد، کشورهای در حال توسعه با منابع غنی که دارند در حالتی بیشتر از سطح پایین فقیر باقی خواهند ماند، و دولت‌ها نیز بی‌ثبات‌تر خواهند شد.

ب. اثرات مثبت، فرصت‌ها

بسیاری از کشورهای در حال توسعه که فعلاً چشم‌انداز واقعی برای از بین بردن فقر مطلق دارند، در حال دستیابی به اهداف توسعه هزاره بوده و در حال پیوستن به اقتصادهای نوظهوراند. پایه رشد اقتصادی

۹ - سازمان دیده‌بان زیمبابوی، جون ۲۰۱۰
<http://www.zimbabwewatch.org/dut/Zimbabwe-Actuel/Civil-society-visit-Marange-diamond-fields>

۱۰ - بنیاد هاینریش بل، ۲۰۱۱
<http://www.boell.de/ecology/resources/resource-governance-ecology-682.html>

۱۱ - همان

۱۲ - سازمان دیده‌بان حقوق بشر، ۲۰۰۹
<http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/zimbabwe0609web.pdf>

آنها صرفا به صادرات منابع متکی است. با این حال، ثروت منابع واقعا می‌تواند به توسعه کمک کند اگر حق استفاده، تولید و توزیع منابع توسط نهادهای سالم تنظیم شود، نیازها و ارزش‌های محلی مورد توجه قرار گیرد و درآمدهای ناشی از بخش منابع طبیعی در توسعه انسانی، آینده‌نگرانه سرمایه‌گذاری شود. همچنان علاقه رو به رشد کشورهای صنعتی و اقتصادهای در حال ظهور به منابع فقیرترین کشورهای در حال توسعه باید به این منظور مهار گردد و از سوی دیگر شرایط تجارت باید بهبود یابد.^{۱۳}

مطابق با مفکوره «معامله سبز جدید»، در کشورهای صنعتی، توسعه اقتصادی را می‌توان از وابستگی به مصرف منابع و روند فعلی معکوس شده آن جدا نمود، در صورتی که مشوق‌های کافی برای بهره‌وری، بازیافت و کاهش (در سیاست‌های نظارتی و بازار) استفاده از منابع وجود داشته باشد.

بسیاری از استانداردهای داوطلبانه و ابتکارات مشترک چندگانه بعضا از قبل در محل موجود است. تجارب ارزشمندی وجود دارد که برای مقایسه در اینجا ارائه شود تا به‌طور سیستماتیک تجزیه و تحلیل شده و از آن برای بحث و تدوین راه‌حل‌های جدید استفاده نمود.

بحث در مورد تجارت و سیاست‌های سرمایه‌گذاری توجه بیشتر را به ایده‌های موجود در تنظیم مقررات (امکانات بازار و سیاست‌های نظارتی) و پایداری آنها معطوف داشته و زمینه‌های سیاسی و تاثیرات آن را باید در نظر بگیرد. این مفکوره‌ها عبارتند از مفهوم مالیات بر منابع و منع استخراج منابع خاص در مناطق دوردست مانند نواحی قطبی و حوزه آمازون.

منابع طبیعی یک ساحه جدید است برای ارتباط دادن سیاست‌های آب و هوایی و سیاست (استخراج/ بهره‌برداری) منابع. در تجزیه و تحلیل مشکلات و سازمان‌های سیاست‌گذاری و شناسایی راه‌حل‌های ممکن، بسیج افراد و شبکه‌های ذی‌نفع مهم می‌باشد.

۵. سیاست منابع و تغییر شکل اکولوژیکی

ما فعلا در پایان دوران فسیلی و در آغاز یک تحول بزرگ قرار داریم که نیازمند پیوند سیاست منابع و سیاست آب و هوایی است. هدف ما باید حل و فصل بحران‌های متعدد موجود باشد. مساله این است که چگونه ما ماهیت پراکنده و محدود منابع فسیلی و معدنی خود را مدیریت کنیم. به جای تغییر مسیر عمده به انرژی‌های تجدیدپذیر و استفاده از پتانسیل کامل استراتژی با کربن کم، کشورها هنوز هم بر استخراج آخرین ذخایر فسیلی موجود متکی‌اند. یکی از این کور راه‌های مورد تعقیب، سرمایه‌گذاری در ذخایر فسیلی حاشیه‌ای نامتعارف و زیرساخت‌های مورد نیاز آنهاست (شن‌های قیری، حفاری در نواحی عمیق دریا، شیل نفتی، شیل گازی، و غیره)^{۱۴}.

«انقلاب جدید سبز» به‌درستی به جدا شدن از منابع فسیلی پایه دعوت می‌کند. با این حال، باید تاکید شود که فن‌آوری‌های جدید نیز مصرف‌کننده منابع محدود است. لپ‌تاپ‌ها و گوشی‌های تلفن همراه نیاز به باتری کوچک اما قوی یونی لیتیوم دارند - همانطور که خودروهای هیبریدی و برقی که تصور می‌شود گزینه آینده‌نگرانه و مناسب برای همه نیازهای تحرک ما در آینده نیز چنین‌اند. بنابر این در بحث انقلاب صنعتی سبز ما باید وابستگی به منابع استراتژیک جدید را که این فن‌آوری‌ها به‌وجود می‌آورند در نظر داشته باشیم و اینکه در نتیجه آن چه مشکلاتی برای مناطق معدنی و ساکنان آنها به‌وجود می‌آید.

۱۳ - سازمان صلح و دموکراسی جنوب آفریقا، نوامبر ۲۰۱۲

۱۴ - بنیاد هاینریش بل

بهره‌وری، بازیافت و جایگزینی در همه این‌ها مسایل حاشیه‌ای نمی‌باشند بلکه باید زمینه‌های مرکزی سیاست را شامل شوند^{۱۵}.

در نهایت، ما نمی‌توانیم از نظر تشدید بحران آب و هوایی، راه حل ضروری مربوط به عرضه مواد را نادیده بگیریم. لابی صنعت فسیلی نفوذ زیادی در تصمیم‌گیری سیاست آب و هوایی و درک عمومی دارد. حکومت‌ها مقصر اصلی در این تناقض کامل‌اند؛ چون آنها سعی می‌کنند تولید گازهای گلخانه‌ای را محدود کنند در حالی که در همان زمان به شدت در تدارک سوخت‌های فسیلی سرمایه‌گذاری می‌کنند^{۱۶}.

۶. فقدان انسجام استراتژیک جامعه مدنی

بخش‌های بسیار متنوع و فعال جامعه مدنی در سیاست منابع درگیر شده‌اند. اما کاستی‌های استراتژیک واضحی در روش‌های ارتباط‌گیری مابین بخش‌ها و دادخواهی هماهنگ در سطح بین‌المللی وجود دارد. به‌طور خاص، کمبودات عمده‌ای در مقابله با بحران آب و هوایی و نیازمندی‌های آن و پیامدهای دگرگونی بنیادی زیست‌محیطی مشهود است. علاوه بر این، حضور یک جامعه مدنی محلی فعال در بسیاری از مناطق و کشورها متأثر از تحولات جدید در بخش منابع (مانند شن‌گیری، معدنکاری اورانیوم، عناصر خاکی نادر، فلزات استراتژیک و غیره) بسیار حاشیه‌ای است. در جایی که در آن جامعه مدنی هم حضور دارد، اغلب اتحاد نامقدسی با شرکت‌های ذی‌نفع دارند که غالباً به‌طور بسیار ماهرانه بر مزایای استفاده از معاملات منابع (کار! پول!) تأکید می‌کنند ولی مشکلات و معایب را پنهان می‌کنند.

۱۵ - همان

۱۶ - همان



بخش دو: کشور زیمبابوی^۱

۱. الماس خون آلود

زیمبابوی با اینکه دارای ثروت‌های معدنی بزرگ است، اما به سقوط اقتصادی نزدیک است. یکصد تریلیون دلار زیمبابوی فعلاً دارای ارزش ۳ دالر امریکای می‌باشد. اکنون نزدیکترین طرفداران رابرت موگابه از الماس‌های غیرقانونی مستفید می‌شوند. جای تعجب نیست که مردم زیمبابوی آن را «الماس خون آلود» می‌نامند. برای معلومات بیشتر در مورد این کشور و معدن الماس آن در صفحات آتی بیشتر می‌خوانیم.

توسعه معدن الماس مارانگه (چيادزوا) در زیمبابوی در سال ۲۰۰۶ هم‌زمان با از بین رفتن کامل نهادهای دولتی اتفاق افتاد. کشف این معدن از بزرگترین کشفیات معدنی ۲۰ سال گذشته دانسته می‌شد. مردم از کشورهای مختلف و از اقشار مختلف به‌گونه غیررسمی در استخراج و تجارت این معدن رسوبی الماس دخیل شدند. در مرحله نخست، سیاستمداران مردمان محل را تشویق کردند که در استخراج و تجارت معدن دخیل شوند. بعداً، حکومت یک نیروی ویژه امنیتی را به کار گماشت تا از استخراج خودسر معدن جلوگیری کند. اما این نیروهای امنیتی خود مشغول استخراج و تجارت الماس شدند و بدین ترتیب سندیکایی برای غارت و قاچاق الماس ساختند و دولت قدرت حفاظت و کنترل منابع معدنی را از دست داد. معدن چيادزوا به سرعت یک معدن آزاد برای همه شد و بهشتی گردید برای قاچاقبران. چیزی که هیچ‌وقت قبل از آن در یک کشور که در حال جنگ نیست، دیده نشده بود. با کشیده شدن پای نیروهای امنیتی به معدن، استخراج و نیز تجارت الماس بیشتر و بیشتر نظامی و سیاسی گردید. بدین ترتیب گزارش‌های نقض جدی حقوق بشر در چيادزوا باعث جلب توجه پروسه کمبرلی (Kimberly Process) شد.^۲ پروسه کمبرلی نیز با حکومتی در این کشور مواجه شد که همواره در کنترل تجارت الماس قرار دارد. با وجود این حقیقت، معلومات در مورد عواید که از الماس به‌دست می‌آید در دسترس نیست و تجارت غیرقانونی الماس همچنان ادامه دارد.

۱ - جمهوری زیمبابوی کشوری است که در جنوب افریقا قرار دارد. نزدیک به ۱۵ میلیون جمعیت دارد و استقلالش را در سال ۱۹۸۰ به دست آورده است.

2 - Political analysis and commentary from Africa, Perspectives, #3.10, HBS

برنامه صدور تصدیقنامه پروسه کمبرلی

در می ۲۰۰۰ در کمبرلی^۱، حکومت‌ها کمپنی‌های بین‌المللی الماس و گروه‌هایی از نهادهای مدنی گردهم آمدند تا در مورد الماس‌هایی که غیرقانونی به دست می‌آیند صحبت کنند و اینکه چگونه می‌توان از ورود این الماس‌ها در بازارهای بین‌المللی جلوگیری نمود. این طرح رسماً در جنوری ۲۰۰۳ اعلام گردید.^۲ در حقیقت این اصلی‌ترین نهاد کنترل‌کننده جهانی الماس تا هنوز به شمار می‌رود.

طرح کمبرلی در قطعنامه ۵۶/۵۵ شورای عمومی ملل متحد معرفی گردید. این طرح بخاطر این بود که تا اطمینان حاصل شود که خرید الماس باعث تمویل مالی خشونت‌های که از طریق جنبش‌های یاغی صورت می‌گیرد نمی‌شود و نیز سود آن به جیب حکومت‌هایی نمی‌ریزد که متحدین جنبش‌های نظامی‌اند و مشروعیت این حکومت‌ها زیر سوال است.^۳ مطابق پروسه کمبرلی، الماس‌های صیقل نشده باید در داخل کانتینرهای مهر و لاک شده قرار داده شوند و سپس برای آنها تصدیقنامه که قانونی بودن و غیرجنجالی بودن آن را تایید می‌کند، صادر گردد. تصدیقنامه با فارمت مخصوص به عنوان یک سند جعل‌ناپذیر تعریف گردیده است و این تصدیقنامه کمک می‌کند تا محموله‌های الماس صیقل نشده را که در مطابقت با پروسه کمبرلی است قابل شناسایی بسازد. هدف عمومی این طرح این است که الماس‌های جنجالی و منازعه‌برانگیز نباید وارد تجارت قانونی الماس شوند. مقصد اولیه آن نیز این بود که از این طریق فروش و تجارت الماس‌هایی که سود آن به جیب نظامیان یاغی و خزانه دولت‌های سرکش می‌رود، مسدود گردند. پروسه کمبرلی ابزار مهمی برای کاهش قاچاق الماس که یک حوزه عمومی‌تر است، دانسته می‌شود.^۴

۱ - کمبرلی مرکز ولایت شمالی کیپ است که در افریقای جنوبی قرار دارد. از اینکه این پروسه در این ولایت به امضا رسیده است، اسمش کمبرلی گذاشته شده است.

2 - Political analysis and commentary from Africa, Perspectives, #3.10, HBS

3 - Official Kimberley Process Website

4 - Political analysis and commentary from Africa, Perspectives, #3.10, HBS

۲. مالکیت

از اوایل سال ۱۹۸۰، شرکت De Beers یک تفحص سفارشی اختصاصی (EPO) را در مورد مارانگه از طریق شرکت تحقیقی تابعه خود Kimberlitic Searches Ltd به انجام رساند. پی‌جویی و تفحص EPO در سال ۲۰۰۶ به پایان رسیده و حق اکتشاف منابع به شرکت African Consolidated Resources ثبت شده در انگلستان، رسید. تولید از معادن مارانگه به دلیل نزاع‌های حقوقی دوامدار و سختگیری‌های دولت بر معدنکاری غیرقانونی، جنجالی بوده است. در دسامبر ۲۰۰۶، شرکت فوق در آماده‌گی برای عملیات معدنی موقتا صورت گرفت. دولت زیمبابوی حق استخراج را از طریق شرکت توسعه معدنی زیمبابوی خود بدست گرفت، با وجود اینکه شرکت قبلی در دادگاه برنده و اجازه ادامه کار را به‌دست آورده بود.

در آپریل ۲۰۱۰، دادگاه عالی زیمبابوی حکم داد که دولت می‌تواند الماس مارانگه را بفروشد و درخواست شرکت آفریقایی-انگلیسی مبتنی بر جلوگیری از خرید و فروش الماس از معادن مورد اختلاف را رد نمود. در سپتامبر ۲۰۱۰، دادگاه عالی زیمبابوی به طور رسمی حکم یک سال پیش را لغو نمود که در آن حق معدنکاری به شرکت معدنی مستقر در انگلستان داده شده بود. شرکت توسعه معدنی زیمبابوی (ZMDC) صاحب ۱۰۰ درصد سهام منابع مارانگه است که فعلاً در استخراج الماس Chiadzwa مصروف است.^۳

۳ - ویکیپدیا

۳. اداره و مدیریت

در سال ۲۰۰۹، شرکت الماس Mbada (خصوصی)، سرمایه‌گذاری مشترک شامل Reclam Group آفریقای جنوبی، مذاکره در مورد حقوق مدیریت عملیات روز به روز Mbada و بازاریابی الماس استخراج شده از منطقه مورد امتیاز را آغاز کرد. در همان سال دولت واحد زیمبابوی دستور حمایت از سرمایه‌گذاری مشترک را صادر کرد. در فبروری ۲۰۱۰، رییس دفتر رئیس جمهور و کابینه زیمبابوی حمایت کامل دولت از سرمایه‌گذاری مشترک را دوباره مورد تایید قرار داد.^۴

شرکت توسعه معدنی زیمبابوی (ZMDC) به سرمایه‌گذاری مشترک معدنکاری و موافقتنامه‌های استحصال با شرکت‌های بین‌المللی دیگر نیز وارد شد. از جمله: سرمایه‌گذاری Anjin (سرمایه‌گذاری مشترک با شرکت چینی آنهویی) شرکت معدنی الماس و (Mbada Resources).^۵

۴. دخالت مقامات دولتی زیمبابوی

با وجود اینکه برنامه رسمی معدنکاری در مارانگه برای دولت بود، اما در عمل معدن به نفع مقامات ارشد دولتی و اعضای حزب Zanu-PF و افراد نزدیک به آنها به اجرا درآمد و بخش ناچیزی از درآمدها به دولت می‌رسید. یک دیپلمات مستقر در حراره به شرط ناشناس ماندن گفته است: بسیاری از رهبران سیاسی رژیم درگیر تجارت‌اند. آنها معدنکاران و معامله‌گران مخصوص به خود را دارند. همه این‌ها حساب شخصی خودشان را دارند.^۶

در اواخر سال ۲۰۰۸، معدنکاری توسط سربازان با استفاده از روستاییان محلی و کار اجباری انجام می‌شد. سربازان به ندرت مزد روستاییان را پرداخت می‌کردند و اغلب محصولات به افسران ارشد تسلیم می‌شد. یکی از سربازان در مصاحبه با IRIN:

«به عنوان یک سرباز، درست مانند اکثر مردم این کشور، پول کمی به من می‌دهند و حقوق و دستمزد من به سختی می‌تواند مرا سه روز در ماه کفایت کند. افراد مافوق ما از آنچه که ما در بازداشتگاه‌ها انجام می‌دهیم به طور کامل آگاه‌اند و آنها به ما اجازه ادامه این کار را می‌دهند زیرا آنها از این معدن غیرقانونی الماس بهره‌مند می‌شوند. هر هفته، ما مقدار قابل توجهی از مواد معدنی را تسلیم آنها می‌کنیم.»

۵. سختگیری‌های دولت

دولت عملیات سرکوب علیه معدنچیان غیرقانونی و قاچاقچیان را چندین بار توسط پولیس از دسامبر ۲۰۰۶ راه‌اندازی کرده است. بعد از اینکه در پاسخ به یک تماس از جانب شورای جهانی الماس، بعضی از افسران پولیس از دستور شلیک به معدنچیان غیرقانونی خودداری کردند، برای سرکوب قاچاق در نوامبر ۲۰۰۸ نیروی هوایی زیمبابوی به منطقه فرستاده شد. ۱۵۰ تن از مجموع ۳۰ هزار معدنچی غیرقانونی از هلیکوپتر هدف قرار گرفتند. در سال ۲۰۰۸ برخی از وکلای پارلمان زیمبابوی و سیاستمداران مخالف Mutare ادعا کردند که Shiri محرک اصلی در پشت حملات نظامی حفاران غیرقانونی در معادن الماس

۴ - همان

۵ - همان

۶ - ویکیپدیا

شرق زیمبابوی بوده است. تلفات در محدوده اواسط ماه دسامبر توسط شورای شهر Mutare، از ۸۳ تن (بر اساس درخواست برای دفن) تا ۱۴۰ تن (بر اساس ادعای جنبش مخالف در آن زمان یعنی حزب تغییر دموکراتیک چانگیرای) تخمین شده است.

در ۲۸ جنوری ۲۰۰۹، دولت برنامه‌هایی را برای اسکان مجدد ۴۷۰۰ تن از روستاییان Chiadzwa در مزرعه ۱۲۰۰۰ هکتاری Transau، بر روی رودخانه Odzi اعلام کرد. هرچند حاکم محلی Manicaland کریستوفر موشویه گفت که این حرکت تا به حال حمایت کامل رهبران محلی و سنتی را به همراه دارد اما روستاییان Chiadzwa در اعتراض به این اسکان مجدد، چندین بار مظاهره کردند.^۷

۶. فروش الماس‌های مارانگه

در سال ۲۰۱۰، دادگاه عالی زیمبابوی حکم داد که دولت می‌تواند الماس‌های مارانگه را بفروشد. دیده‌بان جهانی گروه فشار بین‌المللی به دولت زیمبابوی در برابر فروش الماس تا زمانی که دولت با برنامه‌های مورد نظر مانیتور الماس روند کیمبرلی برای اصلاح معدنکاری در مارانگه، موافقت کند، هشدار داد. در جون ۲۰۱۰ مانیتور پروسه کیمبرلی با بررسی طرزعمل‌ها و شرایط در مارانگه گزارش داد که: «بر اساس شواهد ارائه شده توسط دولت زیمبابوی و سرمایه‌گذاران خصوصی و ارزیابی مستقیم از وضعیت، زیمبابوی حداقل ضرورت‌های KPCS برای تجارت الماس خام را دارا می‌باشد».

در ماه اگست ۲۰۱۰ زیمبابوی فروش الماس از میداین مارانگه را از سر گرفت. در ۱۱ اگست، خریداران از سراسر جهان، از جمله اسرائیل، هند، لبنان و روسیه به پایتخت این کشور حواره، پرواز کردند تا در فروش الماس به ارزش بیش از ۱٫۵ میلیارد دلار آمریکا سرمایه‌گذاری کنند. رسانه‌ها یافته‌های مارانگه را به عنوان «بزرگترین کشف الماس در جنوب آفریقا از زمان نخستین کشف آن در آفریقای جنوبی در یک قرن پیش» توصیف کرده‌اند.

۷. بحران

گزارش دیده‌بان جهانی شفافیت نشان داد که تمام شرکت‌های الماس با ارتش ارتباط دارند: الماس یک موضوع حساس سیاسی شده است. همچنین نگرانی زیادی وجود دارد که زیمبابوی پس از مرگ موگابه به کدام جهت خواهد رفت. دو جناح مشخص در حکومت وجود دارد و رهبری یکی از این جناح‌ها به عهده وزیر دفاع است. وزیر دفاع به دلیل حمایت ارتش دست بالا را دارد. الماس بخش عمده‌ای از اختلاف بر سر جانشینی است و اخیراً مشارکت چین هم تبدیل به یک نگرانی شده است، زیرا چین عرضه قرضه ۹۸ میلیون دلاری برای ساخت آکادمی دفاعی را فراهم کرده است و کار آن به شرکتی مرتبط است که به خزانه‌داری زیمبابوی پولی پرداخت نمی‌کند.^۸

۸. فساد در مارانگه

در طول ۱۰۰ کیلومتر جاده کشیده شده از Mutare به Marange، پولیس حداقل ۱۱ پست بازرسی دائمی برای محدود کردن دسترسی به منطقه Marange ایجاد کرده‌اند و همه افرادی که به و یا از Chiadzwa رفت و آمد می‌کنند، برای سنگ‌های قیمتی بازرسی می‌شوند. برخی از مردم محلی در

۷ - همان

۸ - چاتم هاوس، نوامبر ۲۰۱۲

مصاحبه با دیده‌بان حقوق بشر اظهار داشتند که به اعتقاد آنها این محدودیت‌ها توسط پولیس برای اجازه دادن و دسترسی به میدان تنها در ازای پرداخت پول به افسران پولیس می‌باشد. آنها گفتند زمان اجازه دادن و دسترسی به میدان وابسته به میزان پول پرداختی به یک پولیس است: هرچه رشوه بزرگتر، زمان اجازه بیشتر می‌باشد. کسانی که قادر به پرداخت رشوه‌های بزرگتر هستند، زودتر می‌روند.^۹

۹. سمی نمودن آب و آلودگی محیط زیست

مطالعه‌ای که در ۲۰۱۲ توسط انجمن وکلای محیط زیست زیمبابوی (ZELA) راه‌اندازی شد، نشان داد که عملیات معدنی در میدان‌های الماس مواد شیمیایی خطرناک را به داخل رودخانه ساوه آزاد می‌کند. این امر عواقب وخیمی را برای جوامعی که در پایین دست رودخانه زندگی می‌کنند به همراه دارد و در اکتوبر ۲۰۱۲ باعث وحشت ساکنان این جوامع شد که از نتایج این تحقیق و اثرات بالقوه غیرصحی آن با خبر شدند. پس از آن، سه شرکت معدنی Anjin، DMC و MR مقصر شناخته شدند.^{۱۰}

محیط زیست یک مساله بزرگ است؛ زیرا زندگی جوامع اطراف حول دریا می‌چرخد و دریا نمی‌تواند خود را از رسوبات و گل و لایی که از کار شرکت‌های استخراج معدن حاصل می‌شوند، پاک کند. ماهی‌ها در آب می‌میرند و آب نمی‌تواند برای مقاصد محلی استفاده شود. نمونه‌های آب نشان داد که کیفیت آن بد بوده و دیگر مناسب برای استفاده نیست. خانواده‌هایی که در نزدیکی معادن الماس زندگی می‌کنند با گرد و غبار معادن متاثر می‌شوند. یک مسوول محلی می‌گوید افزایش بیماری‌های مرتبط با هوا از قبیل حصبه و همچنین آلودگی صوتی بیش از حد وجود دارد. در نتیجه، بیش از چهار هزار خانواده از مارانگه بیجا شده‌اند. این خانواده‌ها برای زنده ماندن از راه زراعت امرار معاش می‌کنند؛ اما منطقه جدید به مساحت یک زمین فوتبال خرد است. این خانواده‌ها از سازمان‌های غیردولتی مواد غذایی درخواست دارند و دولت کاری را در این مورد انجام نمی‌دهد. اطفال از مدرسه دور مانده‌اند زیرا وسیله‌ای برای انتقال به مدرسه وجود ندارد.^{۱۱}

۱۰. الماس و حقوق بشر

الماس به نیروی حیاتی رژیم موگابه تبدیل شده است. پیدایش معادن الماس برای اولین بار در سال ۲۰۰۶ در ماه می زمانی که مردم محلی شروع به کندن زمین نمودند، رسماً اعلام شد. الماس زیمبابوی در حال حاضر حدود ۲۵ درصد از ذخیره‌های جهان را تشکیل می‌دهد. اگرچه این رقم مورد مناقشه است و حجم آن می‌تواند خیلی بیشتر از این باشد. موگابه مردم محلی را برای سازماندهی منابع جدید تشویق نمود؛ با این حال، تعداد مردم محلی چند برابر شده و بی‌کاری به ۸۰ درصد در سال ۲۰۰۷ رسید. در سال ۲۰۰۸ موگابه به‌گونه غیرمنتظره انتخابات را از دست داد که با خشونت‌ها دنبال شد و ۵۰۰ نفر کشته شدند. یک ایتلاف حزبی ایجاد شد و موگابه بدون منابع پولی از آنها جدا ماند و الماس تنها منبع پولی او برای ادامه رژیم‌اش بود. در نوامبر ۲۰۰۹، ارتش ملی در مارانگه مستقر شده و صدها نفر از مردم را قتل‌عام نمود. تا ۹۰ کیلومتری مارانگه زنان مورد تجاوز قرار گرفتند و مردم دستگیر شدند، آنها بدون

۹ - همان

۱۰ - ویکیپدیا

http://en.wikipedia.org/wiki/Marange_diamond_fields

۱۱ - همان



©Tsvangirayi Mukwazhi/AP

آب و غذا شکنجه شدند و مجبور به خواندن ترانه‌های انقلابی گردیدند.^{۱۲} تحقیقی که آقای ماگوا انجام داده است شامل رفتن به معادن الماس، صحبت با قربانیان و بازماندگان است. وی از افزایش خشونت‌ها خبر داد و توصیه کرد که خرید و فروش الماس زیمبابوی باید در بازار جهانی ممنوع اعلام شود. آقای ماگوا و بقیه فعالین مدنی و حقوق بشر به اتفاق آرا توافق کردند که الماس زیمبابوی صنعت الماس را بدنام ساخته و مسایل مربوط به حقوق بشر که در حول معدن به وجود آمده است، باید حل شود.^{۱۳} پولیس به طور مداوم و خودسرانه اعضای جامعه محلی در اطراف معادن الماس منطقه را اغلب بدون هیچ‌گونه شک و تردید منطقی، دستگیر می‌کند. روستاییان به دیده‌بان حقوق بشر گفتند که آنها غالباً با ضرب و شتم و آزار و اذیت در دوره دستگیری روبرو بوده‌اند. این افراد مصاحبه شده معمولاً بین چهار تا هفت روز را در شکنجه‌گاه‌های موقت پولیس در ساحه الماس گذرانده‌اند.^{۱۴}

نیروهای مسلح زیمبابوی، تحت کنترل اتحادیه میهنی جبهه ملی آفریقا (ZANU-PF) رئیس جمهور رابرت موگابه، بالای کودکان و بزرگسالان کار اجباری انجام می‌دهند و روستاییان ساکن میدان‌های الماس منطقه مارانگه را شکنجه می‌کنند. نیروهای نظامی کنترل این میدان‌های الماس در شرق زیمبابوی را پس از کشتن بیش از ۲۰۰ نفر در Chiadzwa، بخش قبلاً آرام اما فقیر مارانگه را، در اواخر اکتبر ۲۰۰۸ به دست آورد. با همدستی ZANU-PF، مارانگه تبدیل به یک منطقه بی‌قانون و مصئون از مجازات و دنیایی از هرج و مرج و ناامیدی شده است که این وضعیت اکنون تمام زیمبابوی را تهدید می‌کند.^{۱۵}

۱۲ - چاتم هاوس، نوامبر ۲۰۱۲

<http://www.chathamhouse.org/sites/default/files/public/Research/Africa/061112summary.pdf>

۱۳ - همان

۱۴ - سازمان دیده‌بان حقوق بشر، ۲۰۰۹

<http://www.hrw.org/sites/default/files/reports/zimbabwe0609web.pdf>

۱۵ - همان

تصاحب نظامی و خشونت‌آمیز میدان‌های الماس مارانگه در اکتبر ۲۰۰۸ رخ داد. یعنی یک ماه پس از آن که زانو-پی‌اف برای اشتراک قدرت با جنبش برای تغییر دموکراتیک (MDC)، حزب مخالف که برنده انتخابات ماه مارچ سال ۲۰۰۸ بود، موافقت کرد. رای‌گیری مورد نظر به بحران سیاسی و نقض شایع حقوق بشر توسط زانو-پی‌اف علیه اعضای مخالفان انجامید. تشنج در میدان‌های الماس بحران اقتصادی را در زیمبابوی به دنبال داشت که تا حد زیادی از سیاست‌های شکست‌خورده زانو-پی‌اف ناشی می‌شد. این وضعیت منجر به تورم، بی‌کاری روز افزون، گسترش بدون کنترل بیماری‌ها، و ناامنی وسیع غذایی شد. در این شرایط، گروه‌های ارتش متوجه مارانگه شدند تا اطمینان حاصل شود که واحدهای مهم خط اول فرصتی برای بهره‌مندی از تجارت الماس خواهند داشت. سربازان به آزار و تهدید معدنچیان و دیگر شهروندان پرداختند تا به تشکیل سندیکاهایی دست زنند که از طریق آن سربازان بتوانند معدن و تجارت الماس مارانگه را کنترل کنند. پولدار نمودن سربازان به‌عنوان عاملی برای آرام کردن یک حوزه انتخاباتی به نفع زانو-پی‌اف، در شرایط نزاع‌های سیاسی ضروری است. استقرار نظامی در مارانگه دسترسی به درآمد معدن توسط اعضای ارشد زانو-پی‌اف و ارتش را تضمین می‌نماید. سازمان دیده‌بان حقوق بشر معتقد است که پول حاصل از تجارت غیرقانونی الماس به احتمال زیاد به عنوان یک منبع قابل توجه درآمد برای چهره‌های ارشد زانو-پی‌اف به حساب می‌آید.

الف. کشف شکنجه‌گاه در زیمبابوی

یک محل شکنجه تحت کنترل نیروهای امنیتی زیمبابوی در میدان الماس مارانگه توسط برنامه پانورامای بی‌بی‌سی آشکار شده است. این برنامه توسط قربانیان این شکنجه‌گاه از ضرب و شتم شدید و تجاوز جنسی در آنجا با خبر شده است. کمپ اصلی شکنجه به صورت محلی «مرکز الماس» نامیده می‌شود. به گفته شاهدان، زندانیان در مجموعه‌ای از چادرهای نظامی در منطقه باز و دور افتاده‌ای که با سیم‌خاردار احاطه شده، نگهداری می‌شوند. یک قربانی آزاد شده از کمپ اصلی در ماه فوریه به بی‌بی‌سی گفت: «اینجا شکنجه‌گاهی است که در آن معدنچیان گاهی اوقات در اثر ضرب و شتم قادر به راه رفتن نمی‌باشند.^{۱۶} آنها به ما ۴۰ ضربه شلاق در صبح، ۴۰ ضربه در بعد از ظهر و ۴۰ ضربه در شب می‌زدند». این مرد، پس از ضرب و شتم هنوز هم نمی‌تواند از یکی از بازوهای خود استفاده کند و به سختی می‌تواند راه برود: «آنها با چوب به پاهای من می‌کوبیدند در حالی که من بر روی زمین دراز افتاده بودم^{۱۷}». به گفته شاهدان، زنان اغلب بعد از اینکه مورد تجاوز قرار گرفته بودند به سرعت آزاد می‌شدند. یک افسر نظامی زیمبابوی به شرط ناشناس ماندن به بی‌بی‌سی گفت: «حتی اگر کسی در آنجا بمیرد، سربازان آن‌را افشا نمی‌کنند، زیرا آنها نمی‌خواهند کسی از کارشان با خبر شود.» به گفته این شاهدان این شکنجه‌گاه‌ها حداقل به مدت سه سال فعال بوده‌اند.

در مارانگه، پولیس و ارتش، غیرنظامیان را به طور غیرقانونی برای کندن زمین و استخراج الماس به کار می‌گیرند. اگر کارگرانی خواهان سهم بیشتر از سود شوند برای مجازات به این شکنجه‌گاه‌ها منتقل می‌شوند. یکی از اعضای سابق یک واحد پولیس شبه نظامی که در اردوگاه اصلی در اواخر سال ۲۰۰۸ کار کرده است به بی‌بی‌سی گفت: او در آن زمان زندانیان را توسط غرق‌شدگی مصنوعی و شلاق زدن بر روی اندام تناسلی‌شان مورد شکنجه قرار می‌داده است. او همچنین گفت که سگ‌ها به روش خاصی توسط یک هدایت‌کننده برای آزار زندانیان استفاده می‌شد. او گفت: «یک زن در حین کار در کمپ سینه‌اش

۱۶ - همان

۱۷ - همان

توسط این سگ‌ها گاز گرفته شد. من فکر نمی‌کنم که او جان سالم به در برده باشد. همه زندانیان آزاد شده که با بی‌بی‌سی صحبت می‌کردند، خواستند که ناشناس باقی بمانند.^{۱۸}

ب. کار اجباری کودکان

برخلاف قوانین بین‌المللی، کودکان در مارانگه به‌طور اجباری و بدون دستمزد تحت دشوارترین شرایط کار می‌کنند. یک وکیل محلی به دیده‌بان حقوق بشر گفته است: از ماه فیبروری سال ۲۰۰۹، حداقل ۳۰۰ کودک برای سربازان در میدان‌های الماس در حال کار بوده‌اند. ۱۰ کودک (هفت پسر و سه دختر در سنین مختلف از ۱۲ تا ۱۷ سال) که با سازمان دیده‌بان حقوق بشر مصاحبه کرده‌اند گفته‌اند که سربازان بچه‌ها را در زمان‌های مختلف از دسامبر ۲۰۰۸ تا فیبروری سال ۲۰۰۹، مجبور به کار در میدان‌های الماس کرده‌اند. این اطفال سنگ الماس را از معدن حمل کرده و به زنان برای غربال کردن و جداکردن سنگ‌های قیمتی کمک می‌نمودند. آنها تا ۱۱ ساعت در هر روز بدون دستمزد یا پاداشی کار کرده‌اند.^{۱۹}

ج. استثمار و آزار جنسی

زنان ساکن در میدان‌های الماس به دیده‌بان حقوق بشر گفته‌اند که چگونه آنها توسط پولیس مورد سوء استفاده جنسی و توهین و آزار قرار گرفته‌اند. سه زن که مورد بازرسی‌های اهانت‌آمیز بدنی توسط یک پاسبان پولیس قرار گرفتند به دیده‌بان حقوق بشر گفتند که چگونه آنها را در پسته بین Mutare و Chiadzwa مجبور به برهنه شدن کرده‌اند. پس از برهنه کردن، افسر پولیس مرد در بازرسی آنها به بهانه جستجوی الماس پنهان شده انگشت دستکش خود را بداخل بخش‌های خصوصی بدن آنها وارد کرده است. چندین زن دیگر به دیده‌بان حقوق بشر گفتند که چگونه بعضی از افسران پولیس مستقر در Chiadzwa در سال ۲۰۰۸ خود را سرگرم مبارزه برای زنان و قمار بر روی آنها کردند که فاتحان برنده «جایزه»، فرصت رابطه جنسی اجباری با زنان را در شب می‌یافتند. برخی از زنان نیز به دیده‌بان حقوق بشر گفتند که آنها برای دسترسی به میدان الماس و یا در بدل الماس داوطلب رابطه جنسی شده‌اند.^{۲۰}

۱۱. بازدید جامعه مدنی از میدان‌های الماس مارانگه

برای اولین بار پس از آغاز کار معدن، به سازمان‌های غیردولتی زیمبابوی اجازه بازدید از میدان بحث برانگیز الماس مارانگه داده شد. این میدان‌های الماس که توسط پرسنل امنیت ملی به شدت محافظت و کنترل می‌گردد، یک منطقه ممنوعه برای اعضای جامعه مدنی بوده است. اعضای کمیته پارلمانی معادن در به‌دست آوردن حق دسترسی به میدان‌های الماس بارها و بارها شکست خورده است. مورگان چانگگیری نخست‌وزیر برای اولین بار تنها در اکتوبر ۲۰۱۲ موفق به دیدار از این میدان شده است. اعضای ائتلاف نمایندگان جامعه مدنی KP در زیمبابوی در تاریخ ۷ و ۸ مارچ به میدان الماس مارانگه دسترسی یافتند، آنها پس از دیدار خود، با انتشار بیانیه‌ای خواستار شفافیت بیشتر در تخصیص حقوق معدن شدند.^{۲۱}

۱۸ - بی‌بی‌سی جهانی ۸ آگوست ۲۰۱۱

<http://www.bbc.co.uk/news/world-africa-14377215>

۱۹ - همان

۲۰ - همان

۲۱ - سازمان دیده‌بان زیمبابوی

<http://www.zimbabwewatch.org/dut/Zimbabwe-Actueel/Civil-society-visit-Marange-diamond-fields>

کارنامه یک فعال مدنی (فارای ماگوا)

فارای ماگوا (Farai Maguwu) با پرداخت هزینه‌های زیاد از خود و خانواده‌اش، شجاعت فوق‌العاده‌ای در مستند نمودن شرایط وحشتناک حقوق بشر در مارانگه زیمبابوی نشان داده است. سازمان دیده‌بان حقوق بشر آقای ماگوا را به خاطر شجاعت فوق‌العاده‌اش در افشا نمودن سوءاستفاده در معادن الماس زیمبابوی و تلاش برای پایان دادن به نقض فراوان حقوق بشر در سراسر منطقه، تحسین کرد.^۱ آقای ماگوا در حال حاضر به‌عنوان مدیر مرکز زیمبابوی برای اداره امور منابع طبیعی، تحقیقات گسترده‌ای در مستندسازی سوءاستفاده وحشتناک در معادن الماس مارانگه انجام داده است. وی با پژوهشگران دیده‌بان حقوق بشر جهت مستند نمودن ضرب و شتم، شکنجه، کار اجباری، و قتل روستاییان محلی که در مارانگه به‌دست سربازان کنترل شده توسط اتحادیه ملی آفریقایی زیمبابوی-جبهه میهنی (ZANU-PF) حزب حاکمی که هنوز هم کنترل امنیتی ائتلاف دولت را به‌دست دارد، همکاری می‌کند.



© Jennifer Strader

در ۲۷ می ۲۰۱۰، دو روز بعد از آنکه ماگوا با ناظر طرح صدور گواهینامه پروسه کیمبرلی (نهاد کنترل الماس جهان) برای بحث در مورد سوء رفتار در مارانگه ملاقات نمود، مقامات زیمبابوی با یورش به خانه و دفتر او، او را به اتهام ارائه اطلاعات نادرست در مورد قتل و شکنجه توسط مقامات نظامی در معدن، دستگیر می‌کنند. او برای بیش از یک ماه زندانی شد و از مراقبت‌های طبی به‌عنوان مجازات، محروم شد. مقامات پس از آن به‌طور غیرقانونی او را با شرایط اسفناک حبسی که او از یک بیماری جدی رنج می‌برد، به سلول‌های مختلف پولیس منتقل می‌کنند.^۲ ماگوا در اوایل ماه جولای آزاد شد و در نهایت از همه اتهامات در ماه اکتبر تبرئه گردید. موضوع او به جلب توجه بین‌المللی نسبت به نقض جدی حقوق بشر در معادن الماس مارانگه کمک کرد و منجر به تماس‌هایی برای خروج نیروهای دولت زیمبابوی از مارانگه شد.

۱ - سازمان دیده‌بان حقوق بشر، ۲۰۱۲

<http://www.hrw.org/news/2012/08/13/farai-maguwu-zimbabwe>

۲ - همان

مصاحبه با فارای ماگوا^۱

آیا می‌توانید توضیح دهید که فعلاً کنترل صنعت الماس در زیمبابوی در دست کیست؟ چگونه این منبع ثروت احتمال دارد به عاملی در انتخابات ملی آینده تبدیل شود؟

دیدگاه رسمی این است که تمام معدنکاری از طریق همکاری‌های مشترک سرمایه‌گذاری بین دولت زیمبابوی و شرکت‌های خصوصی انجام می‌شود. با این حال، در عمل، چندین شرکت خصوصی درگیر فعالیت‌های معدنی در میدان الماس مارانگه هستند. به عنوان مثال، معاون وزیر معادن به تازگی نشان داد که سرمایه‌گذاری Anjin، که تا کنون بزرگترین شرکت استخراج الماس در مارانگه می‌باشد، ۵۰ درصد چینی‌ها، ۴۰ درصد اردوی ملی از طریق شرکت تابعه صنایع دفاع زیمبابوی (ZDI) کنترل، و ۱۰ درصد از یکی دیگر از شرکت‌های وابسته به ارتش می‌باشد. این نظامی‌سازی بخش استخراجی در زیمبابوی، که در آن ژنرال‌ها، مدیران و سهامداران شرکت به نمایندگی از دولت شده‌اند، بسیار نگران‌کننده است. من درگیری در زیمبابوی را بیشتر از هر چیز دیگری، در سرو کار داشتن با منابع می‌بینم. قدرت سیاسی وسیله‌ای برای به‌دست آوردن و حفظ ثروت می‌شود. به همین دلیل، کسانی که میدان‌های الماس را کنترل می‌کنند، انتخابات آینده را به عنوان یک لحظه سرنوشت‌ساز تعریف می‌کنند و از هیچ کاری برای تضمین

۱ - فریدم هاوس، ۲۰۱۲

<http://www.freedomhouse.org/blog/zimbabwe%E2%80%99s-diamond-wealth-interview-farai-maguwu>

منافع اقتصادی‌شان ابا نخواهند ورزید. درآمد الماس راه خود را به خزانه‌داری پیدا نکرده، در عوض در حال هدایت به سمت استراتژی‌های مبارزات سیاسی و بودجه خشونت سیاسی و ارعاب در سراسر کشور می‌باشد. و من اعتقاد دارم که به احتمال زیاد به تکرار حوادث ۲۰۰۸ خواهیم رسید، زمانی که ارتش ملی زیمبابوی در یک حکومت ترور و وحشت علیه حامیان مخالفان دولت و فعالان جامعه مدنی در تلاش برای اطمینان از بازگشت رئیس جمهور موگابه به قدرت، وارد عمل شد. علاقه نظامیان به پیروزی حزب ZANU-PF امروز بسیار قوی‌تر از سال ۲۰۰۸ است زیرا سرمایه ملی الماس تازه کشف شده، تا حد زیادی به جیب مقامات ارشد نظامی می‌رود. به نظر من، شامل نمودن ارتش در معدن الماس، یکی از دردناک‌ترین اهداف اقتصادی و سیاسی بوده است که زیمبابوی در سال‌های اخیر شاهد آن بوده است.

می‌توانید برخی از موارد نقض حقوق بشر که CRD آنها را ثبت کرده است توصیف کنید؟ آیا عاملین این سوء استفاده‌ها مورد سوال قرار گرفته‌اند؟

موارد نقض حقوق بشری که ما ثبت کرده‌ایم شامل طیف وسیعی از شکنجه، کار اجباری، تجاوز و قتل است. با این حال، این فجایع بیشتر در طول دوره ماه نوامبر سال ۲۰۰۸ تا اواسط سال ۲۰۱۰ شایع بوده که ارتش بزرگترین مسبب این تخلفات بوده است. به تازه‌گی، ماموران امنیتی خصوصی نیز به عاملان اصلی نقض حقوق بشر تبدیل شده‌اند. آنها با معدنچیان غیرقانونی درگیرند که اغلب با شکستن زنده‌های محافظ اطراف شرکت الماس، به کندن الماس مشغول می‌شوند. عاملین این سوءاستفاده‌ها بازخواست نشده‌اند، عمدتاً به دلیل این واقعیت که قربانیان خود این موضوعات را به پولیس گزارش نمی‌دهند، زیرا آنها از آزار و اذیت بیشتر و یا حتی بازداشت خودشان می‌ترسند.

نقض حقوق بشر یکی از دلایل اصلی ایالات متحده و اتحادیه اروپا برای تحریم‌ها علیه زیمبابوی است. چگونه تحریم‌ها بر تجارت الماس اثر گذاشته است؟ آیا برداشتن تحریم تفاوتی به وجود می‌آورد؟

شرکت توسعه معدنی زیمبابوی و مواد شرکت بازاریابی معدنی زیمبابوی توسط اتحادیه اروپا و ایالات متحده تحریم شده‌اند، یعنی زیمبابوی نمی‌تواند الماس خود را در اروپا و ایالات متحده آمریکا به فروش برساند. امروزه تحریم‌ها توسط نخبگان غارتگر به عنوان بهانه‌ای برای شرکت در معاملات سیاه الماس تحت پوشش متلاشی‌کننده تحریم استفاده می‌شود. با این حال، هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که اگر تحریم‌ها برداشته شود شفافیت بیشتر و پاسخگویی وجود خواهد داشت. حذف تحریم‌ها ممکن است به‌عنوان یک چک سفید به کسانی بخشیده شود که در حال غارت الماس مارانگه هستند. از سوی دیگر، فشارهایی از طرف برخی بخش‌ها در صنعت الماس ایالات متحده و اتحادیه اروپا وجود دارد که احساس می‌کنند که تحریم‌ها به چین و هند یک مزیت ناعادلانه داده است. دیگران احساس می‌کنند که تحریم‌ها اصلاً کار نمی‌کند، زیرا به رغم آنها الماس مارانگه در حال پیدا کردن راه خود به تمام گوشه و کنار جهان است. با این حال، من فکر می‌کنم در صورتی که اتحادیه اروپا و آمریکا قویاً احساس می‌کنند که آنها باید از تحریم‌ها به عنوان یک راه ترویج شفافیت درآمد الماس استفاده کنند، آنها باید برای یک دوره موقت شش‌ماهه تحریم‌ها را به حالت تعلیق درآورند و پس از آن به وزیر دارایی، Biti Tendai، تلفن کنند و بپرسند که آیا تغییر در مورد درآمد الماس به خزانه دولت به وجود آمده است یا نه.

چه نقشی می‌تواند جامعه مدنی زیمبابوی در افشا و جلوگیری از نقض حقوق بشر و تقویت شفافیت در صنعت معدنکاری داشته باشد؟

CRD همچنان به ایفای نقش ناظر خود در بخش استخراجی ادامه می‌دهد. کارهای زیادی درمورد بلند بردن آگاهی‌ها در حال انجام است تا اطمینان حاصل شود که موضوع الماس در دستور کار ملی قرار دارد. ائتلاف‌هایی مانند کمپین «منتشر کنید آنچه را پرداخت می‌کنید» نیز به بحث در مورد راه‌های بهبود شفافیت درآمد در بخش استخراجی در زیمبابوی کمک می‌کند. «منتشر کنید آنچه را که پرداخت می‌کنید» فصل جدیدی است برای زیمبابوی به منظور بسیج جامعه مدنی زیمبابوی برای درخواست از شرکت‌های استخراج‌کننده که اعلام کنند که آنها در حال پرداخت چه مقدار درآمد به دولت زیمبابوی هستند. و این به ما کمک خواهد کرد که دولت را به حساب‌دهی در مورد درآمد دریافتی از شرکت‌های استخراج‌کننده معادن، وادار کنیم.

منابع طبیعی در افغانستان

منابع طبیعی در افغانستان در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بخشی از سرمایه‌های طبیعی افغانستان ناشناخته باقی مانده و بخش دیگر تا حال مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. بسیاری از منابع مثل آب، بیشتر از این‌که افغانستان از آن سود ببرد، کشورهای همسایه از آن استفاده می‌کنند. بعضی از این منابع به شکل سنتی و بدون رعایت استانداردهای جهانی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرند و کاربرد لازم را برای رفع نیازهای کشور ندارند. از جمله منابع طبیعی افغانستان معادن آن است که جدیداً وارد سیاست‌های کلان ملی شده است.

در چند سال اخیر، معادن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردیده است. حکومت افغانستان تلاش دارد تا معادن کشور را شناسایی و استخراج کند. تاکنون تعدادی از معادن را به کمپنی‌های خصوصی واگذار کرده است و تعداد دیگر در حال بستن قرارداد، کشف، شناسایی و بررسی می‌باشند. حکومت افغانستان امیدوار است در سال‌های آینده بتواند بخش اعظم هزینه‌ها را از طریق استخراج معادن به دست آورد. عواید معادن جدی‌ترین امید اقتصادی افغانستان در سال‌های آینده است. وحیدالله شهبانی، وزیر معادن می‌گوید: در حال حاضر سرمایه‌گذاران خارجی هیچ نوع تمایلی برای سرمایه‌گذاری در افغانستان ندارند اما با آن هم در سال ۲۰۱۶ میلادی عواید افغانستان از بابت استخراج معادن به یک و نیم میلیارد دلار و در سال ۲۰۲۴ به چهار میلیارد دلار خواهد رسید.^۱

براساس چندین ارزیابی انجام شده، منابع طبیعی افغانستان تا ۳ هزار میلیارد دلار برآورد شده است.^۲ انجنیر محمداکرم غیاثی معین اسبق وزارت معادن می‌گوید: «مطالعاتی که در کشور صورت گرفته نشان می‌دهد که تاکنون بیشتر از ۱۴۰۰ نشانه‌ی معدنی، معدنی و ذخایر مواد معدنی کشف شده است. با در نظر داشت ساختمان جیولوجیکی، احتمال موجودیت منابع بیشتر پیش‌بینی شده می‌تواند^۳». با تسریع پروسه استخراج معادن، نگرانی‌ها نیز در مورد آینده معادن افزایش یافته است. شفافیت

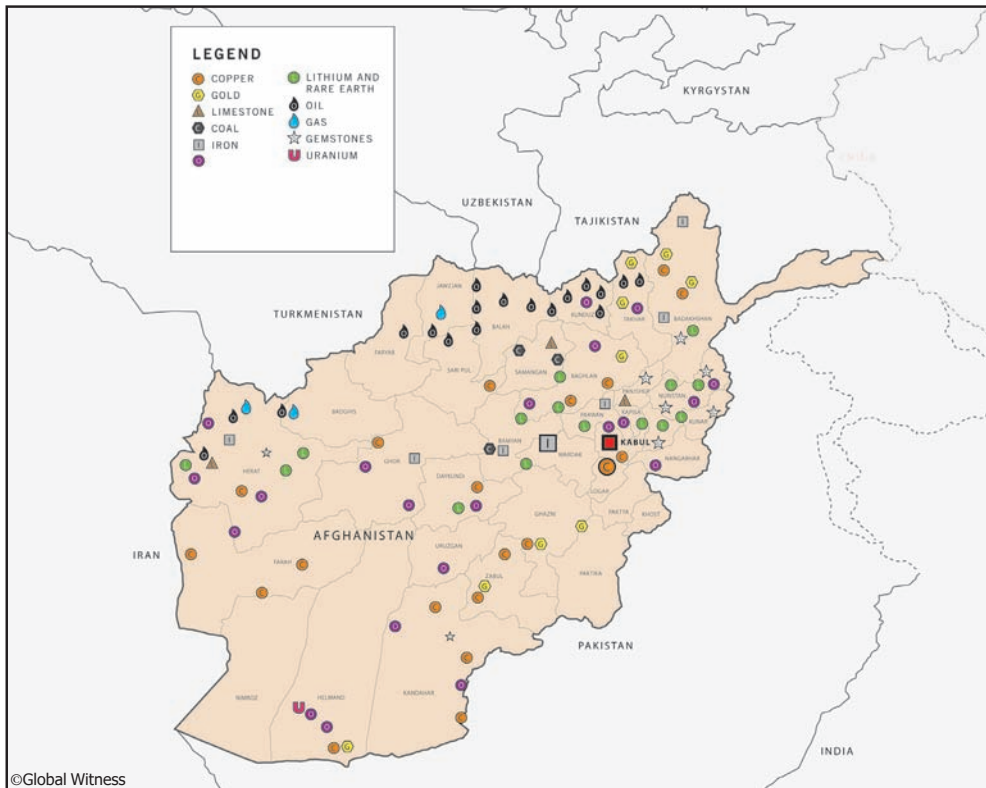
۱ - ۱۰ جدی ۱۳۹۱، تلویزیون راه فردا، کابل

۲ - وبسایت بی‌بی‌سی، ۱۲ نوامبر ۲۰۱۲.

http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2012/11/121112_zs_tajik_basin_oil_reserves_shortlisted_com.shtml

۳ - روزنامه هشت صبح، ۸ میزان ۱۳۹۱

http://8am.af/oldsite.php?option=com_content&view=article&id=27657:1391-07-07-15-45-49&catid=71:2008-10-31-09-35-23&Itemid=546



قرارداد ها، تاثیر استخراج معادن روی ثبات سیاسی و اوضاع امنیتی، تاثیرات اجتماعی و ایکولوژیکی، حقوق بشری و... از مسایل مهمی اند که در پیوند به معادن افغانستان مطرح است. در ۸ نوامبر ۲۰۱۲ بانکی مون، سرمنشی ملل متحد گفت: «معادن استخراجی افغانستان باید به گونه‌ی درست مدیریت شوند و نباید باعث بروز بحران‌های داخلی شوند و این چیزی است که مایه نگرانی شده است».

برای این که معادن افغانستان به درستی مورد استفاده قرار گیرد و تاثیرات مثبت روی اقتصاد کشور و زندگی شهروندان افغانستان داشته باشد، در مرحله اول ما نیازمند یک قانون خوب هستیم. مسوده قانون معادن جدیدا تهیه شده و احتمالا به زودی به پارلمان افغانستان برای تصویب فرستاده شود. در جریان تسوید و تصویب این قانون، حضور و نقش مردم و نهادهای مدنی مهم است. برای داشتن یک قانون کارآمد و سالم نهادهای مدنی، احزاب سیاسی و پارلمان افغانستان باید فعالانه در این قانون سهم بگیرند.

اما آنچه که در بحث قانون گذاری در زمینه نحوه بهره برداری از منابع طبیعی و معادن اهمیت به سزا دارد ایجاد ضمانت‌های اجرایی قانون است. نقض و یا بی توجهی به قوانین از سوی مجریان قانون، پدیده آشنا در این کشور است. به وجود آمدن ضمانت‌های اجرایی از یکسو با کارآمدی قانون و وضع شرایط عادلانه و متناسبت با وضعیت اجتماعی و اقتصادی رابطه مستقیم دارد و از سوی دیگر وابسته به ساختار اجرایی نهادهای دولتی، وجود شفافیت و ایجاد سیستم کارآمد



©Beb C. Reynol

برای بررسی و ارزیابی است. در شرایط کنونی که افغانستان برای توسعه اقتصادی به بهره‌برداری از منابع طبیعی ضرورت دارد و موضوع واگذاری و استخراج معادن به‌عنوان ستون پایه مهم استراتژی توسعه و رشد اقتصادی مطرح گردیده، تصویب یک قانون خوب و کارآمد و تطبیق آن از سوی حکومت از جمله پیشنهادهای بهره‌برداری سالم و موثر منابع طبیعی در کشور به‌شمار می‌رود. به همان میزان که فقدان قانون مشکل‌ساز است، درست اجرا نشدن قانون نیز می‌تواند ویرانگر و نگران‌کننده باشد.

یکی از جدی‌ترین مشکلات در سال‌های اخیر در برابر حکومت افغانستان، وجود فساد گسترده در ادارات دولتی است. تامین شفافیت در قراردادهای و جمع‌آوری عواید معادن افغانستان و مصرف و باز توزیع عادلانه این عواید از نگرانی‌های دیگری است که در خصوص موضوع بهره‌برداری از معادن مطرح است. حکومت افغانستان بعد از کاهش کمک‌های خارجی چشم‌امیدش را به عواید معادن این کشور دوخته است و اگر این درآمدها به فساد آغشته شوند چالش‌های جدی اقتصادی برای حکومت و مردم افغانستان به‌وجود خواهد آمد. در مورد قراردادهایی که تا هنوز وزارت معادن با کمپنی‌های خصوصی بسته است، اعتراضات و اتهامات زیادی در رسانه‌ها مطرح شده، اما برای بسیاری از این اعتراضات هنوز پاسخ معقولی از سوی حکومت ارائه نگردیده است.

بر علاوه، موضوع امنیت از مسایلی است که پیرامون معادن افغانستان همواره مطرح است. در صورت ضعف و بی‌توجهی در مدیریت درست ابعاد امنیتی معادن، استفاده از معادن زمینه‌ساز ناامنی‌های بیشتر در این کشور خواهد شد. تهدیدات امنیتی می‌تواند زمینه‌ساز ناامنی داخلی باشد. در عین حال تقابل قدرت‌ها و رقابت‌های منطقه‌ای روی سهم‌گیری در منابع طبیعی افغانستان می‌تواند عاملی برای تشدید ناامنی در داخل کشور باشد. وحیدالله شهربانی وزیر معادن در این رابطه می‌گوید: «سازمان‌های استخباراتی کشورهای همسایه نیز می‌کوشند که با به چالش کشاندن استخراج آهن از معدن آجه‌گک، ولایت بامیان را ناامن بسازند»^۵.

۵ - یک‌شنبه، ۹ میزان ۱۳۹۱، مجلس سنا، کابل

البته نبود قانون و یا نداشتن قانون خوب، فساد اداری و ناامنی تنها مشکلاتی نیستند که منابع طبیعی به‌طور عام و استخراج معادن به‌طور خاص، با آنها مواجه هستند. محاط به خشکه بودن افغانستان، فقدان راه آهن، نداشتن سرک‌های معیاری، ظرفیت پایین حکومت در مدیریت منابع، دست‌درازی‌های کشورهای همسایه و... از نگرانی‌های دیگری‌اند که افغانستان در سال‌های آینده با آن مواجه خواهد بود. مثلاً، آقای شهرانی می‌گوید: «سرمایه‌گذاران به علت ناامنی‌ها، وجود فساد گسترده اداری و از این‌که افغانستان محاط به خشکه است علاقه نمی‌گیرند تا در بخش استخراج معادن سرمایه‌گذاری نمایند. در کنار این چالش‌ها، پاکستان از قاچاق سنگ‌های قیمتی و نیمه قیمتی، بیشتر از افغانستان سود می‌برد. پاکستان سالانه ۳۵۰۰ میلیون دالر از قاچاق سنگ‌های گران‌بها و نیمه‌گران‌بهای افغانستان بهره می‌گیرد و تنها ده میلیون دالر این پول‌ها به هزینه دولت افغانستان می‌ریزد».

آنچه در زیمبابوی جریان دارد، زمینه‌های تکرار آن در افغانستان نیز محتمل است. زیمبابوی کشوری با ویژگی‌های خاص سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود است و افغانستان نیز کشوری با خصوصیت‌های منحصر به خود. اما نکته‌ها و هشدارهای زیادی در تجربه تلخ زیمبابوی برای افغانستان وجود دارد که مطالعه این تجارب می‌تواند افغانستان را به‌خوبی کمک کند. البته زیمبابوی تنها کشوری نیست که با اثرات منفی استخراج معادن مواجه شده، بلکه فراوان‌اند کشورهای دیگری که از استخراج معادن‌شان آسیب‌های ناگواری را متحمل شده‌اند. دیده‌بان افغانستان امیدوار است در فرصت‌های بعدی قضایای مشابه در دیگر کشورها را نیز مطالعه نموده و در اختیار شهروندان افغانستان و کارگزاران امور قرار دهد. در ضمن دیده‌بان افغانستان برآن است تا نمونه‌های موفق را شناسایی و معرفی کند تا استراتژی‌ها و مهارت‌هایی که در کار این عده از کشورها وجود داشته است، در اختیار افغانستان قرار گیرند.

ضمیمه‌ها

ضمیمه ۱: نشرات دیده‌بان افغانستان

الف) نشرات اخیر

۱. سرگردان میان گذشته و حال (مشوره با قربانیان سه قتل‌عام در افغانستان: ۲۴ حوت سال ۱۳۵۷ (۱۵ مارچ سال ۱۹۷۹) در هرات، دلو سال ۱۳۷۱ (فبروری سال ۱۹۹۳) افشار کابل و واقعه اسد سال ۱۳۷۷ (آگوست سال ۱۹۹۸) در بلخ)
۲. نزاع‌ها بر سر منابع طبیعی در افغانستان
۳. مصالحه با طالبان در مطبوعات افغانستان
۴. دیدگاه‌ها، شماره اول: توافقات سیاسی و مذاکره با طالبان
۵. تجربه اول (گروه‌بندی‌های سیاسی و الگوهای رای‌دهی در ولسی‌جرگه افغانستان) (۸۹-۱۳۸۴)
۶. صلح‌پایدار؛ پیوند عدالت‌انتقالی و مصالحه در افغانستان
۷. محکمه جزایی بین‌المللی در افغانستان
۸. عدالت انتقالی در افغانستان؛ ختم یا آغاز (بررسی تاثیرات عدالت انتقالی بر روند گذار افغانستان به سوی ثبات)
۹. گذار از معافیت به پاسخ‌دهی: مشوره با قربانیان سه قتل‌عام بزرگ در افغانستان

ب) نشراتی که به زودی نشر می‌شوند

۱. معادن نغال سنگ و منازعات در بامیان
۲. حضور زنان در دو انتخابات پارلمانی گذشته افغانستان
۳. چالش‌ها و دورنمای توسعه تحصیلات خصوصی در افغانستان
۴. گزارش نتایج مستندسازی قتل‌عام مزار (اسد ۱۳۷۷)
۵. گزارش نتایج مستندسازی قتل‌عام هرات (۲۴ حوت ۱۳۵۷)
۶. گزارش نتایج مستندسازی قتل‌عام افشار (۲۲ دلو ۱۳۷۱)